 آنگاه یکی از مجلسیان چون این سخن را شنید گفت: «برکت می‌گیرد کسی که در ملکوت خدا غذا خورد.» به وی گفت: «شخصی ضیافتی عظیم نمود و بسیاری را دعوت نمود. پس چون وقت شام رسید، غلام خود را فرستاد تا دعوت شدگان را گوید، بیایید زیرا که اکنون همه چیز حاضر است. اما همه به یک رای عذرخواهی آغاز کردند. اولی گفت: مزرعه‌ای خریدم و ناچار باید بروم آن را ببینم، از تو خواهش دارم مرا معذور داری و دیگری گفت: پنج جفت گاو خریده‌ام، می‌روم تا آنها را بیازمایم، به تو التماس دارم مرا عفو نمایی. سومی گفت: زنی گرفته‌ام و از این سبب نمی‌توانم بیاییم. پس آن غلام آمده مولای خود را از این امور مطلع ساخت. آنگاه صاحب خانه غضب نموده، به غلام خود فرمود: به بازارها و کوچه‌‌‌های شهر بشتاب و فقیران و لنگان و شلان و کوران را در اینجا بیاور. پس غلام گفت: ای آقا آنچه فرمودی شد و هنوز جای باقی است. پس آقا به غلام گفت: به راه‌ها و مرزها بیرون رفته، مردم را به اصرار بیاور تا خانه من پر شود. زیرا به شما می‌گویم هیچ یک از آنانی که دعوت شده بودند، شام مرا نخواهد چشید.» انجیل لوقا ۱۴: ۱۵- ۲۴

مسیح در این حکایت که آن را در خانهٔ یکی از رؤسای فریسیان تعریف کرده است موضوع بسیار مهمی دربارهٔ پادشاهی خداوند مطرح می‌کند. پادشاهی خداوند در کتاب مقدس به یک ضیافت بی‌نظیر و یا جشن عروسی با شکوهی تشبیه شده است (اشعیا ۲۵: ۶-۹/ مکاشفه ۱۹: ۹). بسیاری از الهیات‌دانان بر این عقیده‌اند که یهودیان مذهبی، مخاطبان اصلی مسیح در حکایت هستند. آنها به دعوت انجیل جواب رد دادند و مسیح به این دلیل اشخاص ترد شدهٔ جامعه و امت‌ها را به پادشاهی خود دعوت می‌کند. در حکایت ضیافت بزرگ نکته این است که دعوت شدگان برای حضور نیافتن در جشن، هر کدام بهانه‌ای می‌آورند که ارتباط به امور دنیوی دارد. آنها تا حدی به امور دنیوی مشغول بودن که وقتی برای امور روحانی نداشتند. این دعوت شدگان همان یهودیان مذهبی هستند خود را به واسطه اعمال‌شان پارسا می‌شمردند و نیازی به انجیل نمی‌دیدند. در حالی که فقیران و بدکاران، هم امور دنیوی کمتری داشتند و هم احساس پارسایی نمی‌کردند بنابراین آنها دعوت مسیح را پذیرفتند.

ما نیز باید مانند آن فقیران و بدکاران دعوت عیسای مسیح را به ضیافت بزرگی که او همه ما را به آن فراخوانده است بپذیریم. اما مشکل اینجا است که بسیاری از مردم تا حدی غرق در دنیا هستند که دیگر زمانی به مشارکت با خداوند و حضور در جشنی که او برایشان تدارک دیده است ندارند. از خودتان بپرسید که شما معمولاً برای خداوند چه بهانه‌ای می‌آورید که وقت مشارکت و شرکت در ضیافتی که او برای شما تدارک دیده است را ندارید. سپس از خود بپرسید که آیا مشغول بودن در این دنیای گذرا و فانی ارزش این را دارد که حیات جاودانه‌ای که به ضیافت بزرگ و جشن عروسی تشبیه گردیده است را از دست دهم؟ برای درک بهتر از شرایط روحانی خود کلام خدا را مطالعه کنید و همواره قلب خود را آزمایش کنید و آن را با اعتراف و توبه توسط روح پاک خداوند، طاهر سازید.

## ای مسیح خداوند! کمکم کن تا تو را بهتر بشناسم و این دنیا و آنچه در آن است را دوست نداشته باشم. آن قدر گرفتار امور دنیوی نشوم که به پادشاهی تو تفکر نکنم، لطفا به من درک بهتری از کلامت بده تا حقیقت کلامت را بهتر بفهمم و بیشتر به آنچه که بر روی صلیبت به ارمغان آوردی یعنی نجات و حیات ابدی تفکر کنم. آمین!

## 